



روابط سیاسی ایران و انگلیس به روایت محمود محمود^۱

حامد ایرانشاهی^۱



۱. نوشتار حاضر به معرفی کتاب تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، نوشته محمود محمود می‌پردازد که در هشت جلد از سوی انتشارات اقبال به چاپ رسیده است. مقاله حاضر به مناسبت برگزاری بیست و سومین نشست از سلسله نشست‌های صدکتاب ماندگار قرن تهیه شده است. در این نشست که در ۱۱ آذر ۱۴۰۳ با دبیری دکتر مصطفی نوری برگزار شد، دکتر فریدون مجلسی و دکتر معجد تفرشی به بررسی کتاب تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم پرداختند.

۲. دکترای تاریخ، سندپژوه و پژوهشگر تاریخ معاصر ایران.

10.30484/JII.2025.3294 | hamed_iranshahi@yahoo.com

• استناد: ایرانشاهی، حامد (۱۴۰۴). روابط سیاسی ایران و انگلیس به روایت محمود محمود. مجله مطالعات ایرانی-اسلامی، (۱) ۱۵، ص ۳۴-۳۹.

کتاب تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم در سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم نوشته شده و تلاش نویسنده بر آن است تا در چنین فضایی، درک روشنی از روابط سیاسی ایران و بریتانیا، به کنشگران و پژوهشگران ایرانی بدهد. بر همین اساس، این اثر برای ایرانیان آن عصر، نه فقط یک اثر علمی که یک اثر راهبردی، جهت شناختن بیشتر دولتی است که ریشه تمامی بدبختی‌های ایران، به زعم مردمان آن روزگار، به آن باز می‌گردد.

بدون تردید کتاب تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم را باید در زمره مهم‌ترین آثار نویسندگان معاصر در حوزه روابط خارجی قلمداد نمود و بر روان نویسنده فرهیخته آن، جناب محمود محمود، درود و احترام نثار کرد.

محمود محمود، سیاستمدار، مورخ و مترجم فرهیخته ایران معاصر است که هم در عرصه سیاست و هم در عرصه علم و فرهنگ، رد پُرننگ و برجسته‌ای از خود به یادگار گذاشته و نام او، همچنان، همراه با برخی موضوعات و کلیدواژه‌ها، در اذهان پژوهشگران این مرزوبوم رخ‌نمایی و جلوه‌گری می‌کند. برای مثال، محال است سخن از روابط ایران و انگلیس به میان بیاید و بدون اراده، ذهن‌ها به سمت نام بلند محمود محمود نرود.

این افتخار حاصل تلاش ارزشمند او در تدوین کتاب هشت‌جلدی تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم و ثمره نگاه موشکافانه‌اش، در بیان جزئی‌ترین مسائل مربوط به این موضوع است. او همچنین، ترجمه ارزشمندی از معروف‌ترین کتاب نیکولو ماکیاولی موسوم به شهریار دارد که تا اوایل دهه ۱۳۶۰ ش، تنها ترجمه ایرانی از این اثر بزرگ بود و با وجود برخی نقص‌ها، به مدت چند دهه، باب آشنایی پژوهشگران ایرانی را با اندیشه‌های نیکولو ماکیاولی باز نگاه داشت و زمینه‌ساز ترجمه‌های دقیق‌تر از این کتاب شد.

زنده‌یاد محمود محمود را باید در هیئت محققانی دانست که عمیقاً موضوع مورد تحقیق خود را می‌شکافند و تلاش دارند نکته ناگفته‌ای در باب موضوع تحقیق باقی نگذارند.

او در سیاست هم دستی داشت و مسئولیت‌هایی نظیر استانداری تهران و وکالت مجلس شورای ملی را نیز تجربه کرده بود و کنشگری فعالانه او در سیاست، در آثارش بی‌تأثیر نبود. روانشاد محمود، پیش از این مسئولیت‌ها، در جماعت مشروطه‌خواهان ایرانی میان‌داری می‌کرد و بر وطن‌پرستی او، اغلب اسناد شفاهی و کتبی صحه می‌گذارند و تاریخ نیز او را می‌ستاید.

آن‌طور که مشخص است، او در هیچ‌یک از آثارش به اندازه تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، عمر خود را سپری نکرد و بدون تردید این کتاب را باید مهم‌ترین ثمرهٔ مکتوب عمر او دانست. در ادامه، به معرفی کوتاه این اثر ارزشمند می‌پردازم. پیش از ورود به بحث، لازم است نکته‌ای را یادآور شد که در فهم کتاب از مقدمات ضروری به حساب می‌آید. سال‌های پایانی زندگی محمود، در واقع، آغاز دوران جنگ سرد و غلبهٔ سیاسی ایالات متحدهٔ آمریکا بر جهان است. اما محمود این کتاب را در میان‌سال‌های و حدها سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۶ تألیف کرده و این دوران، دقیقاً زمانی است که هنوز بریتانیا در رأس کشورهای استعمارگر دنیا قرار دارد و مردم کشورهای جهان سوم نگاه مثبتی به این دولت ندارند.

کنشگری محمود در سپهر سیاست ایران نیز مربوط به همین دوران، یعنی دوران کلاسیک تاریخ غرب است و نگاه او به انگلیس برخاسته از همین شرایط تاریخی است. در جغرافیای ذهنی سیاستمداران این عصر، شیطان بزرگ (تعبیری که بعدها برای آمریکا به کار برده شد) بریتانیای کبیر است که هرچه بدبختی و سیاه‌روزی در شرق وجود دارد، علت‌العلل آن همین دولت مرموز و قدرتمند است. نقش و بازیگردانی آمریکا در معادلات بین‌المللی، به‌خصوص در جنگ جهانی دوم، برای فعالان سیاسی ایران و خاورمیانه، خیلی ملموس نیست و حتی می‌توان گفت تا حد زیادی نگاه مثبت به آمریکا و اقدامات آن در جهان سوم وجود دارد؛ درحالی‌که تمامی حرکت‌های ضداستعماری در منطقه، بر ضد منافع بریتانیا بود که نهضت مقاومت ملی ایران نمونه‌ای از آن است.

کتاب تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم در سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم نوشته شده و تلاش نویسنده بر آن است تا در چنین فضایی، درک روشنی از روابط سیاسی ایران و بریتانیا، به کنشگران و پژوهشگران ایرانی بدهد. بر همین اساس، این اثر برای ایرانیان آن عصر، نه فقط یک اثر علمی که یک اثر راهبردی، جهت شناختن بیشتر دولتی است که ریشهٔ تمامی بدبختی‌های ایران، به‌زعم مردمان آن روزگار، به آن بازمی‌گردد. این کتاب شامل هشت جلد است که تلاش می‌شود تا حد ممکن، معرفی اجمالی محتوای مجلدات آن صورت پذیرد و درک روشنی از موضوع کتاب در ذهن مخاطبانی که با این اثر آشنایی کامل ندارند، ایجاد گردد.

جلد اول با مقدمه زنده‌یاد محمود آغاز می‌شود و اشاره به سال آغاز این پژوهش (۱۳۰۰ خورشیدی) و دلیل نگارش آن دارد و شامل بیست فصل است. نویسنده در مقدمه، به پیشینه روابط میان ایران و انگلیس، قبل از قرن نوزدهم میلادی اشاره دارد و بر این باور است که این رابطه در عصر ایلخانی ایجاد شده و در عصر صفوی، شکل جدی‌تری گرفته است. او با ذکر منابع و گاهی با نقل قول مستقیم از برخی آثار تاریخی، تلاش دارد پیشینه روابط خارجی ایران با انگلستان را در ادوار صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه به تفصیل بیان کند و نکته نگاشته‌ای باقی نگذارد. البته محمود، اغلب، به منابع کتابی ارجاع می‌دهد و به منابع سندی اندکی در این کتاب ارجاع شده است که تا حدودی طبیعی است و تحقیقات اغلب آثار این دوران تاریخی، همین گونه‌اند. اما او برخلاف بسیاری از نویسندگان این دوران، تلاش دارد تا حرف بی‌منبع و غیرمستندی را در این کتاب بیان ندارد و از همین منظر، اثر او در زمانه خود، منحصر به فرد است.

او در فصول بعدی، درباره جایگاه ایران در سیاست بین‌المللی، اوضاع سیاسی اروپا در ابتدای قرن نوزدهم، روابط ایران و انگلیس با دیگر دولت‌های جهان در آن عصر، معاهدات بین‌المللی، سیاست‌های بریتانیا در قبال ایران و برنامه‌های دیپلمات‌ها و مستشاران بریتانیایی در ایران سخن می‌گوید و تا حد زیادی بر روابط خارجی ایران پیش از قرن نوزدهم متمرکز است.

محمود تنها به روابط خارجی ایران با بریتانیا نمی‌پردازد، بلکه شرحی از روابط خارجی با دیگر دولت‌ها نیز ارائه می‌دهد و بی‌راه نیست اگر این کتاب را تاریخ روابط خارجی ایران از گذشته تا قرن بیستم بنامیم که در برخی بخش‌ها، متمرکز بر روابط خارجی ایران با انگلستان است.

جلد دوم کتاب را فصول بیست و یکم تا سی و چهارم در بر می‌گیرد و از مسئله هرات آغاز می‌شود. در باقی فصول، پیرامون محورهایی چون اوضاع افغانستان و حضور انگلستان در آن، بازی‌های سیاسی غربی‌ها در ایران، سیاست انگلیس در ایران عصر ناصری، رجال دربار قاجار و نسبت آنها با بازی‌های انگلیس، معاهدات بین‌المللی ایران و دیگر کشورها و همچنین معاهدات بریتانیا با کشورهای دیگر بحث می‌شود. نکته قابل توجه در این جلد، استفاده بیشتر از اسناد تاریخی است، گرچه مشخصاً به سند خاصی ارجاع داده نمی‌شود.

جلد سوم کتاب از فصل سی و پنجم آغاز می‌شود و تا فصل چهل و هشتم ادامه می‌یابد. در این جلد، ابتدا از ایجاد تلگراف در ایران سخن به میان آورده می‌شود و در این باره مطالبی عنوان می‌گردد. در ادامه، درباره مسائلی همچون اوضاع افغانستان پس از

انقلاب هندوستان، اصلاحات میرزا حسین خان سپهسالار، حکمیت دولت انگلستان در بلوچستان و سیستان و ماجرای گلداسمیت، امتیاز رویترز، رقابت دولت انگلیس و روس در ممالک آسیایی، اقدامات دولت انگلستان در ایران و جنگ انگلیس در افغانستان بحث می‌شود.

جلد چهارم نیز به همین ترتیب است و حول محورهایی همچون معاهده آخال، اقدامات انگلیسی‌ها در مرو و خراسان، سیاست عمومی انگلیس، اهمیت هرات برای ایران و انگلستان، ایران در عصر صدارت امین‌السلطان، اصلاحات سپهسالار، امتیاز رژی و انحصار توتون و تنباکو فراهم گردیده است. این جلد نیز شامل فصول چهل‌ونهم تا شصتم است و درک روشنی از دوران پیشامشروطه ایران به مخاطب می‌دهد.

مشروطیت و حواشی بین‌المللی آن، اوضاع جهان اسلام در قرن نوزدهم، شکل‌گیری حلقه‌های فراماسونری در ایران، تأسیس راه‌آهن، رقابت‌های روس و انگلیس در ایران، لرد کرزن و مسائل مربوط به آن، توجه به گنجینه‌های سلطنتی، روابط میان شاه و مردم در ایران، گزارشی از اوضاع ایالت‌های ایران، محورهای بحث در جلد پنجم کتاب است که شامل فصول شصت‌ویکم تا هفتادویکم می‌شود. در این جلد، بیش از آنکه به روابط ایران و انگلستان اشاره شود، به اوضاع ایران در عصر پیشامشروطه پرداخته می‌شود و به همین اعتبار، این اثر را باید فراتر از عنوان آن ارزیابی کرد. البته، با نگاه امروزی، شاید این نقص تلقی شود، لیکن نشان از احاطه نویسنده بر مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران دارد و به نظر می‌رسد که نویسنده، در جای جای کتاب، تلاش دارد میان همه این مطالب پلی برقرار کند.

جلد ششم کتاب نیز با تبیینی از اوضاع اروپا، از کنگره وین تا قرارداد روس و انگلیس آغاز می‌شود و مطالبی همچون رقابت کشورهای اروپایی با یکدیگر در مواجهه با کشورهای جهان سوم، اوضاع ایران در عصر مظفری، سید جمال و اقدامات او در جهان اسلام، اوضاع گمرکات ایران و مسائل مربوط به آن، لرد کرزن و مسئله خلیج فارس را شامل می‌شود. این جلد نیز فصول هفتادودوم تا هشتادودوم کتاب را در بر می‌گیرد و به روشنی مشخص است که محمود، در قامت یک مشروطه‌خواه تمام‌عیار، اوضاع سیاست و دنیا را رصد می‌کند.

جلد هفتم کتاب شامل فصل‌های هشتادوسوم تا هشتادونهم می‌شود و در باب اوضاع جهان در اواسط قرن نوزدهم بحث می‌کند. نویسنده در این جلد، از سفر مستشاران اروپایی به نقاط مختلف ایران سخن می‌گوید و آشکار می‌سازد که چه اغراضی در ذهن آنها وجود داشته است. او همچنین، تبیین روشنی از اوضاع ایران در اواخر قرن بیستم ارائه می‌دهد و امتیازهایی را که دولت ایران به کشورهای خارجی اعطا کرده بر

برمی‌شمرد. این جلد نیز با مسائل مربوط به قرارداد ۱۹۰۷ پایان می‌یابد و تا حد زیادی پیامدهای روابط خارجی ایران با دولت انگلستان و دیگر قدرت‌های اروپایی در آن تبیین می‌گردد.

آخرین جلد، یعنی جلد هشتم، شامل فصول ۹۰ تا پایان کتاب (فصل نودوپنجم) می‌شود و محورهایی همچون اوضاع ایران در هنگامه انقلاب مشروطه، قرارداد ۱۹۰۷، جنگ‌های بین‌المللی اول و دوم و پیامدهای آنها برای ایران، آثار مکتوب ایرانیان پیرامون مشروطه‌خواهی را در بر می‌گیرد و کتاب با شرح حال سر پرسی زکریا کاکس پایان می‌یابد. در آخر کتاب هم نویسنده، دلیل مفصل بودن کتاب را شرح می‌دهد و از رجالی همچون مهدی بامداد، بابت مساعدت و همراهی در حین نگارش کتاب تشکر می‌کند.

در مجموع، این کتاب را باید یکی از منابع مهم جهت شناخت تاریخ معاصر ایران ارزیابی کرد که به شکل تخصصی، به موضوع روابط خارجی ایران در قرن نوزدهم پرداخته است؛ اما نکته حائز توجه این است که به نظر می‌رسد، سرخوردگی ناشی از قرارداد ۱۹۰۷، مرحوم محمود محمود را بر آن داشته تا این اثر را تألیف کند و قریب به سی سال روی آن وقت بگذارد. پس از این قرارداد، ضعف ایران در مقابل دولت بریتانیا، به شدت مشهود شد و هر ایرانی وطن‌پرستی را در آن دوران به فکر وامی‌داشت که چرا ایران، با آن پیشینه عظیم تاریخی و تمدنی باید به روزگاری بنشیند که استعمار پیر بریتانیا برای آن توطئه کند و قراردادهایی نظیر ۱۹۰۷ را بر آن تحمیل کند. محوری‌ترین بحث در دو جلد آخر این کتاب، قرارداد ۱۹۰۷ است که محمود بر این باور است که دلیل پذیرش آن، از سوی دولت ایران، ریشه در روابط خارجی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم دارد و او به همین اعتبار تلاش کرده است تا تبیین روشنی از این روابط به ایرانیان ارائه دهد؛ بدان امید که ضعف خود را شناسایی نمایند و در پی جبران آن برآیند.

پس از جنگ جهانی دوم، رفته‌رفته بریتانیا از زعامت دنیای غرب کنار رفت و ایالات متحده آمریکا جانشین آن شد؛ اما مورخانی همچون محمود، مناسبات دنیای پس از استعمار را هرگز درک نکردند و شاید تصور آن را هم نداشتند که روزی دولت دیگری، به جای دولت انگلیس، سرمداری جهان غرب را خواهد کرد. از همین منظر، اثر محمود یک اثر تاریخی است که ممکن است برای امروز نتوان راهبردهای چندانی از آن استخراج کرد. البته، آنجا که او موشکافانه ضعف‌های داخلی ایرانیان را برمی‌شمرد، بسیار بااهمیت است و ممکن است همچنان نیز، آن ضعف‌ها در جامعه ایرانی مشهود باشد، اما مناسبات بین‌المللی جهان در عصر ما، تا حد زیادی، با عصر زنده‌یاد محمود متفاوت است و روابط بین‌الملل نیز شکل دیگری گرفته است.